

# مطالعه تطبیقی دعوی متقابل در حقوق ایران و ایالات متحده آمریکا



سیمین اسدزاده طالعی<sup>۱</sup>  
منوچهر داور<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت مقاله: ۹۵/۰۶/۰۵ تاریخ پذیرش نهایی: ۹۵/۰۳/۰۱

## چکیده

دعوی مطروحه در دادگاه‌های بررسی روش‌های اجرایی آنها و نیز خصوصیات و ویژگی‌های آن‌ها یکی از ساختارهای علم دادرسی مدنی است. بررسی تعارضات متقابل دوطرف دعوا و رسیدگی به ساختار کمی و کیفی پرونده‌های موجود دوطرفه و دعوی طرفین دعوی مدنی از شاخصهای دعوی متقابل در دادرسی مدنی است. عدالت ساختار بررسی بدون اطاله دادرسی دو پرونده حقوقی مرتبط را می‌طلبد تا تبادل این خواسته‌ها و دعوی ما را به ساختار دقیق تر اجرای عدالت مدنی رهنمون سازد. مقایسه و تطبیق خصوصیات دعوی متقابل و استفاده از بهترین روشهای اجرای بهتر عدالت و انصاف در دعوی مدنی آرمان این مقاله و هدف مطلوب مطالعه تطبیقی دعوی متقابل در حقوق ایران و آمریکا است. نگارنده در این تحقیق از روش توصیفی تحلیلی و کتابخانه‌ای بهره برده و با بررسی منابع داخلی و خارجی سعی در تبیین موضوع دارد. بررسی مقایسه‌ای دعوی متقابل در دو نظام رسیدگی متفاوت ایران و آمریکا در جهت ایجاد ضابطه دقیق و کاملی در دعوی متقابل و نهایتاً کاهش اطاله دادرسی و کاهش کمی پرونده‌های موجود در نظام رسیدگی و اجرای هرچه بهتر عدالت است..

## کلید واژه‌ها

دعوی تقابل، ایران، ایالات متحده آمریکا، طاری

<sup>۱</sup> مربی هیات علمی دانشگاه آزاد واحد کرمانشاه، دانشجوی دکتری حقوق دانشگاه خوارزمی

Email: Asadzadeh.simin@yahoo.com

(نویسنده مسئول)

<sup>۲</sup> دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کرمانشاه

## مقدمه

اقامه ی دعوایی جدید در اثنای رسیدگی به دعوای سابق در دادگاه، موضوعی است که با توجه به تعدد موضوعات مطرح شده در دعوای و اهمیت تجمیع و رسیدگی واحد به دعوای مرتبط، به وجود آمده است. در ایران "دعای طاری" عنوان انتخاب شده برای اینگونه دعوای بوده و به تناسب طرف مطرح کننده دعوا، شامل انواعی است. در نظام حقوقی کامن لا، دعوای متقابل سابقه نداشته و در مقررات جدید دادرسی مدنی قانونگذاری شده اند. موضوع بحث ما تمرکز بر "دعوی متقابل"<sup>۱</sup> در حقوق امریکا و ایران است دعوی متقابل دعوایی است که خواننده تحت شرایطی می‌تواند در مقابل دعوای خواهان به منظور کاستن از محکومیتی که او را تهدید می‌کند، جلوگیری کلی از این محکومیت و یا حتی گرفتن حکم محکومیت خواهان اصلی به دادن امتیاز، علیه او اقامه نماید. مطالعه این مفهوم در حقوق هر دو کشور بصورت تطبیقی می‌باشد. دعوای متقابل مثل سایر دعوای طرح شده شرایط و ویژگی‌هایی دارد و ممکن است به تناسب قوانین دادرسی مدنی در هر کشور و یا سیستم حقوقی متفاوت باشد. لذا با مطالعه موضوع می‌توانیم مبانی قابل تطبیق را استخراج کرده و با رعایت مبانی قانونی، به حقوق کشورمان تعمیم دهیم. درباره موضوع حاضر تاکنون بصورت تطبیقی با حقوق امریکا منبعی به رویت نگارنده نرسیده است و اگر هم مطالبی نوشته شده بیشتر در خصوص حقوق فرانسه بدلیل مشابهت حقوقی و نظام رومی ژرمنی بوده و مطلبی در خصوص امریکا و نظام کامن لا نوشته نشده است. نوآوری این کار بررسی تطبیقی با حقوق امریکا بعنوان بارزترین نمونه نظام کامن لا می‌باشد تا در موضوع مورد بحث هر دو بررسی شده و بصورت مقایسه‌ای نقاط ضعف و قوت گفته شود تا بتوانیم با استفاده از نقاط قوت گفته شده به توجیه منابع داخلی خود کمک کنیم.

اما در این تحقیق سوال اصلی این است که آیا مفهوم و ویژگی‌های دعوای تقابل در حقوق آمریکا با حقوق ایران مشابه است؟

فرضیه این مقاله که در پی اثبات یا نفی آن هستیم این است که با توجه به تبعیت دو کشور از دو نظام حقوقی مختلف به نظر می‌رسد مفهوم و ویژگی‌های دعوای تقابل همانند بسیاری از موضوعات دیگر موجود در حقوق این دو کشور، متفاوت بوده و بنظر می‌رسد هر سیستمی نقاط قوت وضع خواهد داشت. در خلال بررسی مقدمات این سوال فرعی مطرح می‌شود که ابتدائاً

۱. Counterclaim

فلسفه دعوای تقابل در حقوق دو کشور کدام است؟ ویژگی‌ها و تشریفات طرح دعوای تقابل در هر کشور چگونه است؟

در این نوشتار مباحث مربوط در دو بخش بررسی شده است. در بخش اول از فلسفه و مفهوم دعوای متقابل در حقوق ایران و آمریکا بحث می‌کنیم. و در بخش دوم ویژگی‌های دعوای تقابل را در حقوق هر کشور با توجه به قانون، مطالعه خواهیم نمود.

**بخش اول - مفهوم و فلسفه دعوای متقابل در حقوق ایران و ایالات متحده آمریکا**  
در ابتدای بحث از هر موضوعی باید درباره خاستگاه و فلسفه آن مطالعه داشته باشیم تا بدانیم جهات ایجاد این مفهوم در نظام‌های حقوقی مختلف کدام‌ها هستند و در نهایت تعاریفی از آن مفاهیم ارائه دهیم:

#### گفتار اول - مفهوم و فلسفه دعوای متقابل در حقوق ایران

نویسندگان قانون آیین دادرسی مدنی ایران مقررات مربوط به این مبحث را از حقوق فرانسه اقتباس کرده‌اند اما به نظر می‌رسد این نهاد حقوقی بدون عنوان خاص در فقه امامیه نیز وجود دارد. از طرف دیگر ماده ۳۷ قانون مدنی نیز در واقع چهره‌ای از دعوی تقابل را ترسیم کرده است. طبق ماده ۳۷ ق.م.ا.گ. اگر متصرف فعلی اقرار کند که ملک سابقه مال مدعی بوده است در اینصورت مشارالیه نمی‌تواند برای ادعای مالکیت شخصی مزبور، بتصرف خود استناد کند، مگر اینکه ثابت نماید که ملک به قائل صحیح به او منتقل شده است. طبق مفاد این ماده متصرف فعلی می‌تواند در پاسخ به دعوی رفع تصرف خواهان متقابلاً درخواست رسیدگی به ادعای مالکیت خود را در مقابل او بنماید و دادگاه ناگزیر از پذیرش چنین درخواستی است. بنابراین می‌توان گفت طرح چنین ادعایی از طرف خواننده نسبت به دعوای اصلی، ماهیت دعوای تقابل را دارد. دعوای تقابل در متون قانونی قدیم ایران از جمله قانون معروف به اصول "محاكمات حقوقی" مصوب ۱۳۰۵ به "حواشی محاکمه" ترجمه شده است لیکن این اصطلاح از حقوق فرانسه اقتباس شده است در این نظام "دعوی طاری" از "طواری دادرسی" تفکیک شده است و به همین دلیل اصطلاح *les demandes incidents* را برای دعوای طاری و *les incidents de la procedure* را برای طواری دادرسی بکار برده است. اما قانونگذار ایران در این اقتباس، دقت کافی بکار نبرده است و هر دو مقوله را تحت عنوان واحد "امور اتفاقی" در فصل ششم قانون آیین دادرسی مدنی باب بندی نموده است در حالیکه قلمرو و شمول هر یک از این دو اصطلاح در حقوق فرانسه کاملاً متمایز هستند. منظور از "طواری دادرسی" امور جانبی است که خواهان

برای اثبات دعوی اصلی و در نهایت برای استیفای خواسته خود در طول جریان دادرسی می‌تواند انجام دهد و نیز خوانده می‌تواند از این ابزار برای دفاع از حقوق خود در مقابل دعوای اصلی استفاده نماید این ابزار شامل ایرادات، درخواست تامین اعم از تامین خواسته و تامینی که از اتباع دولت‌های خارجی بابت هزینه دادرسی و خسارت حق الوکاله می‌تواند اخذ نمود. همچنین درخواست ارائه سند از مواردی است که در جریان رسیدگی به دلایل دعوی، هر یک از اصحاب دعوا می‌توانند به آنها تمسک جویند مانند انکار، تردید، ادعای جعل و غیره. دعوای اعم ورود ثالث، جلب ثالث و دعوای تقابل از مصادیق دعوای طاری است (گل پرور) دعوای متقابل ماهیت دوگانه دارد یعنی از یک سو دفاع محسوب می‌شود و از طرف دیگر چون در قالب یک دعوا طرح می‌شود، حمله تلقی شده و از این رو به آن دفاع تهاجمی می‌گویند. عده‌ای از حقوقدانان دعوای متقابل را یکی از وسایل دفاعی خوانده تلقی کرده اند و معتقدند که در این روش دفاعی، خوانده بمنظور پاسخگویی به ماهیت دعوا، دعوای جداگانه ای مطرح می‌کند که در این موضع، هدف فقط پاسخ به دعوای خواهان نبوده و علاوه بر رد دعوای اصلی از دادگاه خواسته‌ای را مطالبه می‌کند. (واحدی، ۱۳۸۰ ص ۷) به عبارت دیگر دعوای متقابل دفاع ساده نیست، دفاعی آمیخته با حمله است که اگر پذیرفته شود علاوه بر رد ادعای خواهان، او را در موضعی انفعالی قرار می‌دهد و موفقیت حقوقی جدیدی پدید می‌آورد. اما در واقع دعوای متقابل ذاتاً دفاع نیست بلکه چنین دعوایی ذاتاً دعوا محسوب می‌شود و برای اقامه آن همه شرایط اقامه دعوا باید وجود داشته باشد و در مجموع دعوای متقابل دعوایی است که می‌تواند بعنوان وسیله دفاعی مورد توجه قرار گیرد.

طرح دعوای متقابل برای خوانده مزایایی به همراه دارد از جمله: جلوگیری از صدور احکام متعارض، صرفه جویی در وقت و جلوگیری از اطاله دادرسی، مصونیت در برابر خطر اعلام اعسار، معافیت از دادن تأمین اتباع بیگانه.

### گفتار دوم - مفهوم و فلسفه دعوای متقابل در ایالات متحده آمریکا

“دکترین امرمختوم بها” قاعده‌ای جهانی در سیستم حقوقی تمام ملل متمدن است (Freeman, 1925, p627). و در واقع اساس این قاعده اختیاری نمی‌باشد. این قاعده بدین وسیله مقرر می‌کند دادرسی واقعی و نهایی مانع می‌شود از اینکه خوانده مدعی دفاعیاتی نسبت به ادعای اولیه باشد و ایده اصلی از آنجا ناشی می‌شود که وقتی خواهان در دادرسی برنده می‌شود، خوانده نمی‌تواند دعوایی جدید را با همان ماهیت مطرح کند ممکن است این قاعده در این

قسمت با دعوی متقابل اجباری مغایرتی داشته باشد و چهره "امر مختوم بها" بدلیل ممانعت از طرح دعوی جدید و امکان تضييع حقوق خواننده زشت تر جلوه کند. دکتر دیوید شاپیرو یکی از نظریه پردازان اصلاح کننده نظریه "اعتبار امر قضاوت شده" در امریکا است که با نوشتن کتابی در این زمینه اساس و پایه موضوع را در ایالت متحده دگرگون کرده و بدین وسیله راه حلی جهت قبول دعوی متقابل اجباری در حقوق کامن لا، پیش‌بینی کرد. در واقع بررسی موضوع توسط دکتر شاپیرو باز گویی دوباره اعتبار امر قضاوت شده و طرح مجدد دفاعیات و ادعاهای خواننده بود. قبل از نظر دکتر شاپیرو، نظریه غالب در حقوق کامن لا و در ایالات متحده امریکا مانعی در جهت طرح دعوی متقابل اجباری بود چرا که "استاپل متقابل"<sup>۱</sup> ایجاب می‌کرد که خواننده بازنده نتواند علیه نتیجه دادرسی خواهان برنده طرح شکایت مجدد کند لذا بعد از طرح این نظریه و استفاده عملی دادگاه‌ها از آن، محاکم امکان رهایی از اجبار عدم قبول ادعای مجدد خواهان را یافتند و توانستند به موضوعاتی مرتبط که دوباره توسط خواننده مطرح می‌شود و در دادرسی قبلی رسیدگی و تعیین تکلیف نشده رسیدگی کنند. در نتیجه دکتر شاپیرو نظریه دعوی متقابل اجباری کامن لا را به قانون معرفی کرد و اگرچه قانون به دلیل قاعده "اعتبار امر قضاوت شده" متمایل به این پذیرش نبود اما باید بدانیم با تفاسیر روشن و صحیح، این نظریه نه تنها اجرای قاعده فوق‌الذکر را بهتر می‌کند بلکه به اجرای دقیق آن کمک شایانی خواهد کرد. (Clermont, 2003, pp1745-1754)

## بخش دوم - انواع و ویژگی‌های دعوی متقابل در حقوق ایران و ایالات متحده امریکا

دعوی متقابل با معنا و مفهوم گفته شده در بخش اول، برای طرح در محاکم دادگستری به شرایط و ویژگی‌هایی نیاز دارد که باید این شرایط را در هر دو کشور ایران و ایالات متحده امریکا با توجه به مواد قانونی مرتبط در هر کشور را بررسی کنیم تا تفاوت‌ها و شباهت‌های این دو نظام حقوقی را بهتر بشناسیم:

### گفتار اول - انواع و ویژگی‌های دعوی متقابل در حقوق ایران

شرایط طرح دعوی متقابل را می‌توان در دو مبحث جداگانه تفکیک و مورد بررسی قرار داد. یکی شرایط عمومی طرح دعوی و دیگری شرایط اختصاصی طرح دعوی متقابل. شرایط

<sup>۱</sup> قاعده‌ای است حقوقی که خاستگاه آن را باید در حقوق انگلوساکسون جستجو کرد. این قاعده اجمالا چنین می‌گوید که هیچ کس نمی‌تواند به زبان دیگری تناقض گویی کند. این قاعده بیشتر در [حقوق بین‌الملل](#) کاربرد داشته اما معادل آن در حقوق اکثر کشورها وجود دارد. برای مثال قاعده عدم استماع انکار بعد از اقرار در حقوق ایران نمونه‌ای از استاپل است

عمومی طرح دعوای متقابل همان شرایط عمومی دادخواست است. علاوه بر شرایط عمومی تقدیم دادخواست، طرح دعوای متقابل شرایط دیگری نیز دارد که در صورت عدم احراز آن شرایط نمی‌توان دادخواست تقدیمی را بعنوان دعوای تقابل پذیرفت و به آن رسیدگی نمود.

بموجب ماده ۱۴۱ قانون آیین دادرسی مدنی دعوای متقابل می‌بایست از سوی خوانده علیه خواهان دعوای اصلی مطرح گردد. حال سؤالی که پیش می‌آید این است که آیا طرح دعوای متقابل علیه خواهان دعوای متقابل مجاز است یا خیر؟ در این باره اختلاف نظر وجود دارد. عده‌ای از حقوقدانان معتقدند اگر چه ممکن است قاعده تقابل در مقابل تقابل اعتبار ندارد برای جلوگیری از اطاله دادرسی وضع شده باشد اما اصول را بخاطر نگرانی‌ها نباید زیر پا گذاشت. بر اساس این استدلال اقامه دعوای متقابل، دفاع محسوب می‌شود و بستن راه دفاع به هر بهانه‌ای یعنی محروم کردن مدعی علیه از حق مسلم خود. بنابراین باید به خواننده دعوا، حق دفاع بطور کامل داده شود (واحدی، پیشین، ص ۹). عده‌ای دیگر از حقوقدانان معتقدند با توجه به نحوه تنظیم ماده ۱۴۱ قانون جدید که شرط دعوای متقابل را اتحاد منشأ یا ارتباط کامل با دعوای اصلی قرار داده پاسخ منفی به پرسش مزبور قابل دفاع می‌باشد. (واحدی، همان، ص ۵۰۴) در پاسخ به این پرسش اگر ما بخواهیم اخلاق و بنیان‌های اصلی حقوق را ملاک قرار دهیم می‌توان نظر گروه اول را پذیرفت اگر چه مشکلاتی چون اطاله دادرسی را به‌همراه خواهد داشت و اگر برعکس بخواهیم کتاب قانون را با مندرجات آن سرلوحه کار خود قرار دهیم می‌توان به نظر دوم گرایش پیدا کرد.

بر اساس ماده ۱۴۱ یکی از شروط طرح دعوای متقابل وحدت منشأ وحدت منشأ یا ارتباط کامل دعوای متقابل با دعوای اصلی است.

منظور از ارتباط کامل بین دو دعوا طبق ماده ۱۴۱ این است که اتخاذ تصمیم در هر یک مؤثر در دیگری می‌باشد. بر اساس حکم شماره ۱۴۷۷۵/۳۷۷-۱۷/۲/۲۴ دیوانعالی کشور مراد از ارتباط کامل بین دو دعوی این است که صدور رأی در یکی از آن دو دعوی موجب بی‌نیازی از انشاء رأی در مورد دعوای دیگر باشد یا اثبات یکی از آن دو دعوی موجب اثبات یا در دعوای دیگر گردد. بنابراین دعوی شوهر در بازگشت زن به خانه شوهر با دعوای مطالبه طلاق از طرف زن دارای این نوع ارتباط نیست زیرا محکوم شدن زن به آمدن به خانه شوهر یا محکوم شدن به بی‌حقی در مطالبه بازگشت زن به هیچ یک مانع از جریان مطالبه طلاق یا موجب سلب حق

مقرر در ماده ۱۱۳۱ قانون مدنی از زن محسوب نمی‌شود و در هر دو صورت ممکن است در حدود قانون زن مستحق مطالبه طلاق شناخته شود.

ممکن است از قسمت ذیل ماده ۱۴۱ چنین استنباط شود که ارتباط کامل دو دعوا و ناشی شدن آنها از یک منشأ، یک چیز باشند زیرا گرچه در صدور ماده، این دو، جداگانه بیان شده اند اما در ذیل ماده فقط معنای ارتباط کامل بیان شده و اشاره به معنای «ناشی از یک منشأ» نشده است. این استنباط، صحیح نیست بلکه قانونگذار به دلیل وضوح معنای ناشی از یک منشأ بودن آن را بیان نکرده و به دلیل ابهام در معنای ارتباط کامل داشتن، آن را توضیح داده است. (زراعت، ۱۳۸۵ ص ۵۱۱)

وحدت منشأ و ارتباط کامل دو مقوله جدا از هم می‌باشد که نمی‌توان آن دو را واحد قلمداد نمود و در طرح دعوی متقابل وجود وحدت منشأ یا ارتباط کامل برای طرح این دعوی کفایت کرده و نیازی به وجود هر دو شرط نمی‌باشد.

شرط دیگر طرح دعوی متقابل طبق ماده ۱۴۳ قانون آیین دادرسی مدنی طرح دعوی تا پایان جلسه اول است. منظور از «تا پایان جلسه اول» تا قبل از امضای صورتجلسه در جلسه اول رسیدگی است که خواننده می‌تواند علیه خواهان دعوی متقابل مطرح نماید.

بنابراین، خواننده می‌تواند دعوی متقابل را قبل از اولین جلسه دادرسی نیز اقامه نماید. در این صورت چنانچه فرصت، تا اولین جلسه دادرسی کافی باشد. دادخواست تقابل به خواننده آن (خواهان اصلی) ابلاغ و علی‌الاصول، رسیدگی به دعوی تقابل نیز در همان جلسه‌ای که برای رسیدگی به دعوی اصلی از قبل تعیین شده صورت می‌گیرد و همین وقت به طرفین دعوی تقابل ابلاغ می‌شود. اما چنانچه فرصت کافی برای ابلاغ نباشد و یا دعوی متقابل در اولین جلسه دادرسی اقامه شود و خواننده تقابل نیز در این جلسه، برای تهیه پاسخ و ادله خود، تأخیر جلسه را درخواست نماید، جلسه تجدید می‌گردد تا در جلسه آینده به هر دو دعوا توأماً رسیدگی شود. (شمس، ۱۳۸۵ ص ۵۰۵)

بحث دیگر ضمانت اجرای عدم طرح دعوی متقابل تا پایان جلسه اول رسیدگی است. یک نظر این است که باستناد ماده ۲ قانون آیین دادرسی مدنی قرار عدم استماع دعوی صادر می‌گردد و چون برابر قانون می‌بایست دعوی متقابل تا پایان جلسه اول تقدیم شود، عدم رعایت این مورد یعنی تعارض با قانون و قرار گرفتن تحت شمول ماده ۲ قانون آیین دادرسی مدنی.

عده‌ای دیگر به رسیدگی توأمان به دو پرونده نظر داده اند. در این زمینه گفته شده است که: در اینصورت باید ابتدا به صلاحیت خود نیز توجه کنیم زیرا اگر دعوی مطروحه دعوی متقابل بود

به اعتبار دعوی اصلی رسیدگی به آن در صلاحیت ما بود ولو اینکه بدون فرض دعوی اصلی صلاحیت مرجع ثالثی مطرح می‌گردد اما حال که آن را مشمول شرایط دعوی متقابل نمی‌دانیم و از طرفی آن را مرتبط با دعوای اصلی تلقی می‌کنیم باید در صورت صلاحیت نسبت به آن رسیدگی و الا با قرار عدم صلاحیت به دادگاه صالح ارسال کنیم. (مهاجری، ۱۳۸۱ ص ۳۵)

این گفته محل تأمل است زیرا رسیدگی توأمان به دعوای مرتبط قاعده‌ای است که اجرای آن منحصر در طرح دعوای مرتبط در قالب دعوای متقابل نمی‌باشد بلکه اگر بصورت مستقل نیز مطرح شوند به حکم بند ۲ ماده ۸۴ و مواد ۸۹ و ۱۰۳ قانون آیین دادرسی مدنی بایستی توأمان مورد رسیدگی قرار گیرند. (زراعت، پیشین ص ۵۱۵)

دادخواست متقابل با خصوصیات یک دعوای مستقل به دادگاهی داده می‌شود که قبلاً دعوای اصلی به آن ارائه و ثبت گردیده و این دادگاه مکلف است بر خلاف قواعد صلاحیت علاوه بر دعوای اصلی که صالح به رسیدگی به آن است، به دعوای متقابل نیز که از صلاحیت آن خارج است رسیدگی نماید. به عبارت دیگر علی‌رغم اینکه برابر قواعد صلاحیت صالح به رسیدگی نیست، به هر دو دعوا یکجا رسیدگی می‌کند. البته این عدول از صلاحیت نیز مرز و محدوده‌ای دارد و دادگاه در صورتی می‌تواند از قواعد عام صلاحیت عدول نموده و به دعوای متقابل رسیدگی نماید که مربوط به صلاحیت محلی باشد و الا نمی‌تواند در مورد صلاحیت ذاتی نیز اینگونه عمل نماید. دعوای متقابل نیز یکی از دعوای طاری محسوب می‌شود در دادگاهی اقامه می‌گردد که صلاحیت ذاتی رسیدگی به آن دعوا را داشته باشد هر چند صلاحیت محلی رسیدگی به آن دعوا را نداشته باشد. چنانچه دعوای متقابل از صلاحیت ذاتی دادگاه رسیدگی کننده به دعوای اصلی خارج باشد، دادگاه مکلف است با صدور قرار عدم صلاحیت، پرونده دعوای متقابل را به مرجع صالح یا دیوان عالی کشور (جهت تعیین مرجع صالح) ارسال نماید و در صورتی که رسیدگی به دعوای اصلی متوقف به رسیدگی به دعوای متقابل باشد. دادگاه رسیدگی کننده به دعوای اصلی با صدور قرار اناطه رسیدگی به دعوای اصلی را متوقف می‌نماید تا دعوای متقابل در مرجعی که صلاحیت رسیدگی به آن را دارد خاتمه یابد و در صورتی که رسیدگی به دعوای اصلی منوط به تعیین تکلیف در مورد دعوای طاری نباشد، دادگاه به دعوای اصلی رسیدگی و اقدام به صدور رأی می‌نماید. دعوای متقابل باید در صلاحیت ذاتی دادگاهی باشد که در آنجا اقامه می‌شود. دعوای متقابل موجب عدول از صلاحیت محلی می‌شود. ریشه مبنایی امکان عدول را باید از هدف کلیه دعوای طاری یعنی جلوگیری از صدور احکام متعارض دانست.



تاثیر دیگر دعوای تقابل بر دعوای طاری، صدور حکم واحد در مورد همه دعوای است، یعنی دادگاه رسیدگی کننده به ادعای مطروحه در تمام دعوای رسیدگی و در دادنامه واحد برای همه موضوعات تصمیم گیری می‌نماید. موضوع مورد توجه این است که در دادنامه صادره هر دعوی یک محکوم له و یک محکوم علیه دارد. یعنی دعوای اصلی محکوم له و محکوم علیه دارد که ممکن است در دعوای طاری یا متقابل مطروحه در برابر دعوای طاری محکوم علیه یا محکوم له باشند. ممکن است تعیین تکلیف در مورد یک دعوی تاثیر خود بر دعوای دیگر را نمایان سازد و تکلیف دو دعوی دیگر را روشن نماید. پس دادگاه صادر کننده رای با جمع تمام جوانب و دقت به تمام موارد موجود در پرونده اقدام به صدور رای واحدی می‌نماید که شاید هر دعوی در دادگاهی جداگانه مورد رسیدگی و آرا متعارضی صادر می‌گردید. اینجاست که اهمیت رسیدگی به دعوای طاری ضمن دعوای اصلی نمایان می‌گردد. دادگاه ضمن یک دادرسی و صرفه جویی در وقت و هزینه اقدام به صدور رای غیر معارضی می‌نماید.

### گفتار دوم - انواع و ویژگی‌های دعوای متقابل در ایالات متحده امریکا

همانطور که در بخش قبل گذشت، دعوای متقابل در حقوق کامن لا سابقه‌ای نداشته و بعداً وارد قوانین دادرسی مدنی ایالات متحده امریکا شده است. هم اکنون در قوانین دادرسی مدنی فدرالی ایالات متحده در بخش دفاعیات بند ۱۳ قانونی وجود دارد که در آن از دعوای متقابل صحبت شده است. در این بند قانونی صحبت از دو گروه دعوای متقابل است: دعوای متقابل اجباری و دعوای متقابل اختیاری.

دعوای متقابل اجباری ادعایی است که خواننده علیه خواهان ایجاد می‌کند و از همان معامله یا رویدادی که دعوای خواهان از آن نشأت گرفته بود، بوجود می‌آید. معنای "اجباری" این است که باید در دعوای اصلی در پاسخ خواهان مطرح شود وگرنه از بین می‌رود و اگر خواننده قادر نباشد این دعوا را مطرح کند دیگر نمی‌تواند در دعوایی منجز آن موضوع را مطرح کند. در مقابل دعوای متقابل اختیاری است وقتی که ادعای خواننده در موقعیتی طرح می‌شود که این ادعا از همان قرارداد یا رویدادی که ادعای خواهان بر آن مبتنی بوده، ناشی نشده باشد. در واقع اگر خواننده در مقابل خواهان ادعایش را مطرح نکند، ادعا از بین نرفته و خواننده آزاد است تا در دعوایی مستقل آن موضوع را مطرح کند.

در سال ۱۹۹۰ کنگره امریکا الحاقیه‌ای به ماده ۲۸ قانون امریکا اضافه کرد که به موجب آن "صلاحیتی تکمیلی" به دادگاه‌ها اعطا شد بدین صورت که در هر دعوای حقوقی که دادگاهی

صلاحیت ذاتی داشته باشد می‌تواند صلاحیت تکمیلی نیز داشته باشد. به موجب آن تکلیف دعوای ماده ۱۳ قانونی در خصوص دعوای متقابل نیز در موضوع صلاحیت دادگاه آشکار گردید. طبق بند الف ماده ۱۳ که از دعوای متقابل اجباری صحبت می‌کند خواننده باید هر دعوای متقابلی را که از همان معامله یا رویدادی که اساس دعوای خواهان را تشکیل می‌دهد در همان رسیدگی طرح کند. اگرچه در قانون گفته نشده اگر خواننده موفق به طرح دعوای متقابل نشود چه نتایجی به بار می‌آید اما در عمل محاکم مقرر می‌کنند که خواننده نمی‌تواند این ادعا را در دعوایی دیگر مطرح سازد. در خصوص بند ب ماده ۱۳ که در مورد دعوای متقابل اختیاری صحبت می‌کند قابل ذکر است که با توجه به اینکه در این دعوای نیازی نیست که منشا ادعا همان ادعای خواهان دعوای اصلی باشد قبل از تصویب الحاقیه فوق الذکر گفته می‌شد باید دادگاه صلاحیت جهت شنیدن این دعوا داشته باشد. اما با تصویب این الحاقیه به روشنی مقرر شد دادگاه‌ها به تمام دعوای که تقریباً به دعوای اصلی ارتباط داشته باشند صالح هستند و این در حالی حائز اهمیت است که دادگاه‌های فدرالی دادگاه‌هایی هستند که معمولاً صلاحیت‌های محدود و محدود به موضوع دعوا دارند. (Simon, 2005. pp 296-297)

در خصوص تفاوت و تعیین وجه تمیز دعوای متقابل اجباری و اختیاری باید گفت اجباری یا اختیاری بودن دعوای متقابل طبق ماده ۱۳ قانون، بستگی به تفسیر عبارت "همان معامله یا رویداد" گفته شده در ماده دارد. دادگاه‌ها معمولاً این عبارت را تشریح نکرده‌اند اما ضابطه‌هایی جهت تشخیص این دو دعوای ارائه داده‌اند. در معمول‌ترین ضابطه‌ی ارائه شده، مقرر شده که لازمه‌ی "همان معامله یا رویداد" بودن، وجود ارتباطی منطقی بین دعوای متقابل و دعوای اصلی است. در اعمال این ضابطه، دادگاه‌ها ملاحظه می‌کنند که آیا ارتباط این دو دعوا به گونه‌ای هست که ملاحظات اقتصادی قضایی و انصاف ایجاب کند که این دو دعوا در دعوای واحدی رسیدگی شود یا نه؟

بعضی دادگاه‌ها معیاری دیگر را به عنوان ضابطه مقرر کردند بدین توضیح که موضوعات موجود و قانون مربوط به دعوای متقابل یکسان باشد. این ضابطه مورد انتقاد واقع شده است و گفته‌اند که قابل انجام نمی‌باشد چرا که تا زمانی که خواهان به دعوای متقابل پاسخ ندهد ممکن نیست که بدانیم چه موضوعاتی مطرح خواهد شد. سومین ضابطه مطرح شده جهت تمیز دعوای متقابل اجباری از اختیاری در جایی که قانون طرح دعوای متقابل اجباری وجود ندارد اقامه دعوای متقابل با قاعده اعتبار امر قضاوت شده برخورد می‌کند و قابل طرح نمی‌باشد. در هر حال در صورت نبود قانون دعوای متقابل اجباری، دفاع کننده (خواننده) از طرح دعوا بطور

مستقل در شرایطی که در دعوای قبلی امکان دفاع نداشته، ممنوع نمی‌باشد. ضابطه چهارم مطرح شده در خصوص یکسان بودن مدارکی است که در دعوای اصلی و متقابل مطرح می‌شود. نکته‌ای که در اینجا قابل ذکر است این است که فهم ارتباط مدارک در دعوای متقابل اجباری که از منشا مشترک با دعوای اصلی ناشی می‌شود آسان است اما ممکن است فهم این موضوع که چرا دعوای متقابل با وجود نشأت گرفتن از موضوعات مشابه حتی با وجود تفاوت در مدارک، اجباری نخواهد بود کمی دشوار باشد. ضابطه‌های گفته شده را نمی‌توان در خصوص دعوای متقابل اختیاری قانع کننده دانست چرا که در این نوع دعوای موضوعات ضروری و مهم موجود در دعوای اصلی و متقابل آنقدر نزدیک نیست تا بتوانیم بوسیله‌های گوناگون توجیه کنیم. ارتباط منطقی بین دعوای اصلی و متقابل اختیاری معمولاً وجود ندارد و یا مدارک یکسانی ندارند. (Simon, op cit, p 301)

مفهوم دیگری در حقوق آمریکا وجود دارد که شاید بتوان گفت اعم از مفهوم دعوای متقابل می‌باشد که به آن cross claim می‌گویند. بدین صورت که دعوای متقابل بین خواهان و خواننده اصلی دعوای رخ می‌دهد اما گاهی خواهان قصد دارد علیه بیشتر از یک خواننده طرح دعوای کند یا خواننده ممکن است ادعایی علیه خواننده‌ای دیگر داشته باشد. طرح این دعوای اجباری نبوده اما باید خارج از موضوعاتی که در دعوای اصلی مطرح است ایجاد شود. شکایت علیه ثالث نیز در حقوق آمریکا وجود دارد که در آن خواننده ثالث را به دعوای می‌آورد. و خواننده در این حالت تبدیل به خواهان دعوای علیه شخص ثالث می‌شود.

## نتیجه‌گیری

دعوای متقابل در حقوق ایران از انواع دعوای طاری است که حق اقامه دعوای را به خواننده علیه خواهان دعوای اصلی می‌دهد و شرایطی در قانون جهت امکان طرح این دعوای گفته شده که مهم ترین آنها ارتباط بین دو دعوای است به طوری که تصمیم‌گیری در هر یکی بر سرنوشت دعوای دیگر نیز اثر دارد. در حقوق آمریکا به دلیل فقدان این مفهوم در حقوق کامن‌لا، دعوای متقابل توسط دکتین حقوقی و نظریه‌پردازان وارد قانون آمریکا شد. در بدو ورود این مفهوم حقوقی طرح آن توسط خواننده اختیاری بوده است همانند آنچه که در حقوق ایران وجود دارد. اما بعدها بدلیل طرح موضوع صرفه اقتصادی دعوای، ضرورت طرح دعوای متقابل مطرح شد بطوری که اگر طرح نشود خواننده متعاقباً نمی‌تواند در دعوای مستقل آن را ادعا کند. تقسیم‌بندی فعلی حقوق آمریکا به دعوای متقابل اجباری و اختیاری موید این مطلب است. به

نظر می‌رسد با توجه به نظام کامن لا و سیستم رویه محور آمریکا، انتخاب ضابطه‌های مختلف توسط دادگاه‌ها در تشخیص نوع دعوای متقابل و جای‌گذاری در تقسیم‌بندی گفته شده قابل تصور است. در حالیکه در ایران بدلیل لزوم رسیدگی به دعوای بر پایه‌ی قوانین، انتظار می‌رود ضابطه دقیق‌تری جهت طرح دعوای متقابل داده شود چرا که حتی ضابطه فعلی (ارتباط دو دعوا) در عمل گاهی مشکلاتی بوجود آورده است. مضافاً اینکه در صورت ارائه این ضابطه دقیق می‌توان با هدف کاهش طرح دعوای و مفیدتر بودن این مفهوم حقوقی، خواننده را مجبور کرد تا دعوای متقابل خود را در اثنای دعوای اصلی طرح کند وگرنه در صورت عدم طرح حق اقامه آن را در قالب دعوای مستقل از دست خواهد داد. این همان دعوای متقابل اجباری موجود در حقوق آمریکا است با این تفاوت که ضابطه‌مند و مبتنی بر رویه یکسان است. در نهایت باید گفت دعوای متقابل در دو کشور مورد بحث، از لحاظ شرایط اقامه متفاوت بوده و می‌توان از مفاهیم حقوق آمریکا با رعایت چارچوب‌های قانونی داخلی جهت تکمیل این مبحث در قانون ایران، بهره برد.

## فهرست منابع

### ۱- منابع فارسی

#### کتابها

- احمدی، نعمت، ۱۳۷۱ آیین دادرسی مدنی تهران، انتشارات اطلس..
- امامی، سید حسن، ۱۳۵۱، حقوق مدنی، جلد اول، تهران، انتشارات اسلامیه. صدرزاده افشار، سید محسن، ۱۳۷۹، آیین دادرسی مدنی، تهران، انتشارات ماجد
- حیاتی، علی عباس، ۱۳۸۴، شرح قانون آیین دادرسی مدنی، چ اول، انتشارات سلسبیل
- زراعت، عباس، ۱۳۸۵، قانون آیین دادرسی مدنی در نظم حقوق کنونی، چاپ سوم، انتشارات خط سوم
- شمس، عبدالله، ۱۳۸۵، آیین دادرسی مدنی، چ چهارم، چ اول، انتشارات دراک
- کریمی، عباس، ۱۳۸۶، آیین دادرسی مدنی، چ اول، انتشارات مجد
- مهاجری، علی، ۱۳۸۱، آیین قضاوت مدنی در محاکم ایران، چ اول، انتشارات فکرسازان
- واحدی، قدرت الله، ۱۳۸۰، بایسته های آیین دادرسی مدنی، چ دوم، نشر میزان
- قهرمانی، نصراله، ۱۳۷۸، آیین دادرسی مدنی، تهران، انتشارات گنج دانش. مرادی، نادر، ۱۳۸۰- آیین دادرسی مدنی، تهران، انتشارات دادگستر.

#### مقالات

- گل پرور، شهلا، دعوای تقابل در نظام حقوقی ایران، مشاهده شده در سایت [www.vekalat.gro](http://www.vekalat.gro) در ۱۳۹۳/۰۹/۲۴

### ۲- منابع خارجی

#### قوانین

- United States Federal Rules of Civil Procedure, December 1, 2013 visited in [www.uscourts.gov](http://www.uscourts.gov) at 2014/12/20

#### مقالات

- Freeman, A.C, *A Treatise of the law of judgments*, p627 at 1321(5<sup>th</sup> ed.1925) visited in [www.ssrn.com](http://www.ssrn.com) in 2014/12/20

- Clermont, Kevin.M, *common-law compulsory counterclaim rule: creating effective and elegant res judicata doctrine* pp 1745-1754 visited in [www.ssrn.com](http://www.ssrn.com) at 2014/12/22
- Simon, Michelle.S, *Defining the limits of supplemental jurisdiction under 28 U.S.C 1367: a hearty welcome to permissive counterclaims*,pp296-297visited in [www.ssrn.com](http://www.ssrn.com) at 2015/01/03